

# نقدی بر « کنوانسیون

## منع تبعیض علیه زنان »

اقتباس از سخنرانی

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

تصویب شد و برای امضا و الحاق کشورهای در اختیار نمایندگان آنان قرار گرفت و از تاریخ ۱۲ شهریور ۱۳۶۰ (سوم دسامبر ۱۹۸۱) برای دولت‌هایی که به آن پیوسته‌اند، لازم الاجرا شد. کنوانسیون مذکور مشتمل بر یک مقدمه، ۳۰ ماده و در ۶ بخش تنظیم شده است. در بخش اول تا چهارم وظایف دولت‌ها در قبال مسأله برابری زن و مرد مطرح شده و در بخش پنجم و ششم به چگونگی الحاق دولت‌ها به آن و پی‌گیری و نظارت بر معاهده می‌پردازد.

آنچه پیش رو دارید اقتباس از

اشاره:

در سال ۱۹۷۵، اولین کنفرانس جهانی زنان - که در مکزیکوسیتی تشکیل شد - از سازمان ملل خواست تا کشورها را مستعد به پذیرش و اجرای یک کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان بنماید. در سال ۱۹۷۹ م. «کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» توسط مجمع عمومی اعلام شد و از سوم سپتامبر ۱۹۸۱ م. به اجرا درآمد.

کلیات کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در ۲۱ آذرماه ۱۳۵۸ (۱۸ دسامبر ۱۹۷۹) طی قطعنامه ۳۴/۱۸۰

## غربی‌ها برای فریب و نیرنگ مردم جهان، شعارهایی می‌دهند ولی عمل آن‌ها مخالف شعارشان است.

معاهده ولو با قید عدم مخالفت با مسائل اسلامی چه حکمی دارد؟ این در حالی است که جمعی معتقدند این قید و شرط مشکلی را حل نمی‌کند. زیرا در یکی از مواد این معاهده آمده است که کلیه شروطی که با روح این معاهده سازگار نباشد، کان لم یکن خواهد بود. بر این اساس در صورت امضاء معاهده، طرفداران اصلی و بانیان این میثاق بین المللی، امضاء ما را قبول کرده ولی شروط ما را قبول نخواهند کرد و مدعی خواهند شد که شما در ارث، دیه، طلاق، شهادت و... بر علیه زنان تبعیض روا می‌دارید و چون شرط موافقت با اسلام با روح معاهده سازگار نیست، آن را کأن لم یکن تلقی خواهند کرد.

نکته حساس‌تری نیز در اینجا وجود دارد و آن اینکه در صورت

سخنرانی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در نقد «کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان» است که در درس خارج فقه در تاریخ ۱۳۸۱/۲/۷ ایراد گردیده است.

\* \* \*

اخیراً مراکز بین المللی ایران را تحت فشار گذاشته‌اند که «کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان» را بپذیرد. این کنوانسیون یک معاهده بین المللی است و مدعی است که کلیه شکل‌های تبعیض علیه زنان باید محو شود. کشورهای مختلف جهان به این معاهده بین المللی ملحق شده‌اند و در میان کشورهای اسلامی فقط ۱۲ کشور هنوز ملحق نشده‌اند. البته کشورهای اسلامی که این معاهده را پذیرفته‌اند، به آن قید زده‌اند، بدین صورت که معاهده را می‌پذیریم مگر در جاهائی که با شریعت اسلامی مخالفت دارد.

قرار است این معاهده در مجلس شورای اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. از این رو افرادی که نسبت به مسائل اسلامی احساس خطر می‌کنند، با تنظیم استفتائی، نظر مراجع تقلید را خواستار شده‌اند که قبول این

## اگر بخواهیم به خود و دیگران دروغ نگوئیم باید بین فطرت و قانون و بین شریعت و تکوین هماهنگی ایجاد کنیم تا قوانین با واقعیت تطبیق داشته باشد.

امضاء معاهده نه تنها دولت‌ها  
موظفند آن را عمل کنند، بلکه تمام  
مؤسسات و مراکز خصوصی نیز  
موظفند آن را به کار گیرند و در این  
صورت امثال حوزه‌های علمیه نیز بعد  
از امضاء دولت، باید مفاد معاهده را  
اجرا کنند.

طبیعی است که اگر کشوری  
معاهده را امضاء کرد ولی بدان عمل  
نکرد، او را از راه‌های مختلفی تحت  
فشار قرار می‌دهند: او را محکوم  
می‌کنند، در مسائل اقتصادی محدود و  
مشروط می‌کنند و....

لازم به ذکر است که دولت آمریکا  
نیز این معاهده را نپذیرفته است، ولی  
عدم پذیرش او از این باب است که  
شرایط خود را بالاتر از این معاهده  
می‌داند و حاضر نیست خود را به این

معاهده محدود کند. آمریکایی‌ها در  
اینجا نیز مانند خدعه‌ها و نیرنگ‌هایی  
که در مسائل سیاسی و... دارند وارد  
عمل شده و خود را برتر از آن می‌دانند  
که چنین معاهده‌ای را بپذیرند.

### چند نکته درباره معاهده

آنچه می‌توان به صورت اجمال  
درباره این کنوانسیون بیان کرد از قرار  
زیر است:

۱- غربی‌ها برای فریب و نیرنگ  
مردم جهان، شعارهایی می‌دهند ولی  
عمل آن‌ها مخالف شعارشان است.  
مثلاً چنانکه آن‌ها مدعی‌اند و در این  
معاهده نیز بر آن اسرار دارند، باید  
تبعیض بین زنان و مردان از بین برود،  
در حالی که عملکرد آنان خلاف این  
است. چنانچه ادعای غربی‌ها در مورد  
حقوق زنان در غرب عملی شده بود،  
اینک باید نیمی از پست‌های کلیدی،  
سیاسی و اقتصادی در اختیار مردان و  
نیمی دیگر در اختیار زنان باشد. نیمی  
از شخصیت‌های سیاسی، نمایندگان  
مجلس، کاندیداهای ریاست  
جمهوری و... مردان و نیمی دیگر  
زنان باشند در حالیکه در هیچ یک از  
کشورهای آمریکا، انگستان، فرانسه و

دیگر کشورهای غربی چنین نیست و عمده پست‌های کلیدی در اختیار مردان است.

این از دو حال خارج نیست: الف) غربی‌ها فقط شعار می‌دهند و عملاً نمی‌خواهند تبعیض را بردارند.

ب) شعارهای غربی‌ها قابل عمل نیست؛ زیرا واقعاً تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد و هیچ یک از زن یا مرد نمی‌توانند کار دیگری را انجام دهند، بلکه هر یک از آنان باید به اقتضای استعدادهای ویژه‌ای که خداوند در اختیارشان قرار داده است اعمال خاصی را انجام داده و مسؤولیت‌هایی را بپذیرند.

۲- از تمام این فشارها می‌توان خطی را به روشنی دید و آن اینکه می‌خواهند ما را به سوی حکومت‌های غیر مذهبی و سکولار پیش برند. یکی از چسبیهایی که می‌تواند پایه‌های حکومت مذهبی را ضعیف کند همین معاهده است؛ زیرا در موارد مختلفی با مسائل مذهبی تضاد پیدا می‌کند و اجرای این معاهده موجب کنار رفتن مذهب از صحنه سیاست و اجتماع و

منحصر شده آن در زندگی شخصی افراد است.

واقعاً باید ساده لوح و ساده اندیش باشیم که خیال کنیم این‌ها از زنان حمایت می‌کنند و تبعیض‌ها را بر می‌دارند.

۳- با دو مقدمه زیر می‌توان غیرمنطقی بودن چنین پیمان‌هایی را اثبات کرد:

مقدمه اول: خداوند دو جنس زن و مرد را متفاوت آفریده و تفاوت‌های آنان سبب تفاوت در کارائی آن‌ها شده است. هر دو جنس مقدس و محترمند اما در خلقت و کارآیی آنان تفاوت وجود دارد. این امر قابل انکار نیست؛ زیرا عملاً مردها کارهای خشن و سنگین را به عهده گرفته‌اند. حضور زنان و مردان در میدان‌های جنگ، فرماندهی رتبه‌های مختلف لشکرها، کارهای سخت سیاسی، کارهای سنگین اجتماعی مانند خلبانی هواپیما و رانندگی اتوبوس و قطار و ساخت و ساز ساختمان‌ها، برابر نیست. پس باید قبول کرد که کارآئی زن و مرد متفاوت است و ساختمان وجود آن‌ها تفاوت دارد.

ما معتقدیم که همیشه قوانین اسلام مکمل تکوین است و هر دو را فعل خداوند می‌دانیم. با ضمیمه کردن این دو مقدمه باید گفت: اگر بخواهیم به خود و دیگران دروغ نگوئیم باید بین فطرت و قانون و بین شریعت و تکوین هماهنگی ایجاد کنیم تا قوانین با واقعیت تطبیق داشته باشد.

۴- آیا برای دفاع از حقوق زنان باید تناسب محور باشیم یا تساوی محور؟ آیا منطق عدالت محوری صحیح است یا مساوات محوری؟ مدعیان محو تبعیض می‌گویند: باید تساوی را معیار قرار داد نه تناسب را، خواه با ساختمان زن و مرد بسازد یا نسازد، کارآیی داشته باشد یا نداشته باشد، آن‌ها از نظر جسمی و روحی با هم تفاوت داشته باشند یا نداشته باشند.

آیا واقعا عقل این منطق را می‌پذیرد یا می‌گوید باید دنبال عدالت رفت؟ آیا عقل می‌گوید باید یک غذا درست کرد و به کودک شیرخوار و بزرگسال مانند هم غذا داد، یا باید متناسب با هر یک از آنان غذای

**شعارهای غربی‌ها قابل عمل نیست؛ زیرا واقعاً تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد و هیچ یک از زن یا مرد نمی‌توانند کار دیگری را انجام دهند، بلکه هر یک از آنان باید به اقتضای استعدادهای ویژه‌ای که خداوند در اختیارشان قرار داده است اعمال خاصی را انجام داده و مسؤولیت‌هایی را بپذیرند.**

مقدمه دوم: آیا با وجود تفاوت در کارائی و خلقت می‌توان با جعل قانون و معاهده بر خلاف این ساختمان فکری و طبیعی قیام کرد و از واقعیت‌های خارجی اعراض نمود؟ به تعبیر دیگر آیا تشریح می‌تواند تکوین را دگرگون سازد؟

**تساوی یک شعار فریبنده و کاذب برای جمع کردن رأی و جلب توجه دیگران است، اما مصلحت جامعه و دفاع از حقوق زنان اقتضای عدالت و تناسب دارند نه مساوات. چون مرد وزن از نظر جسمی و روحی با یکدیگر مساوی نیستند.**

**۵- اگر این معاهده ولو به شرط تحفظ بر مسائل اسلامی تصویب شود، علاوه بر اینکه خارجی‌ها ما را تحت فشار می‌گذارند، در داخل نیز در جراید می‌گویند ما به این پیمان ملحق شده‌ایم و مجلس ما تصویب کرده است، پس از این به بعد باید بین زن و مرد تساوی باشد. در آزادی حجاب نباید بین مرد و زن فرقی باشد، حق طلاق باید مساوی باشد و....**

**۶- غربی‌ها می‌خواهند فرهنگ خود را بر ما تحمیل کنند. آنان برای رسیدن به این مقصود از راه‌های مختلف وارد شده‌اند. گاهی مسأله موسیقی را مطرح می‌کنند و اخیراً دیده می‌شود که می‌خواهند در مدارس کلاس موسیقی برای بچه‌ها باز کنند. گاهی مسأله حجاب را مطرح می‌کنند و اینک می‌خواهند آزادی جنسی را در کشور ما شایع کنند. چه دلیلی دارد که ما زیر بار تحمیل‌های غربی‌ها برویم؟**

جداگانه تهیه کرد؟ آیا در جامعه از همه افراد به طور مساوی مالیات می‌گیریم یا متناسب با وضع درآمد آنان؟

تساوی یک شعار فریبنده و کاذب برای جمع کردن رأی و جلب توجه دیگران است، اما مصلحت جامعه و دفاع از حقوق زنان اقتضای عدالت و تناسب دارد نه مساوات. چون مرد و زن از نظر جسمی و روحی با یکدیگر مساوی نیستند.

این‌ها خواهند گفت کنوانسیون همه تبعیض‌ها را منع کرده است و در رسانه‌ها چنان مانور خواهند داد که هرچه از شرط مطابقت با اسلام داد بزنیم، صدایمان به جایی نرسد.